

به نام خدا

نام درس: «روش های مشاهده رفتار»

منبع: کتاب پرورش مهارت های مشاهده

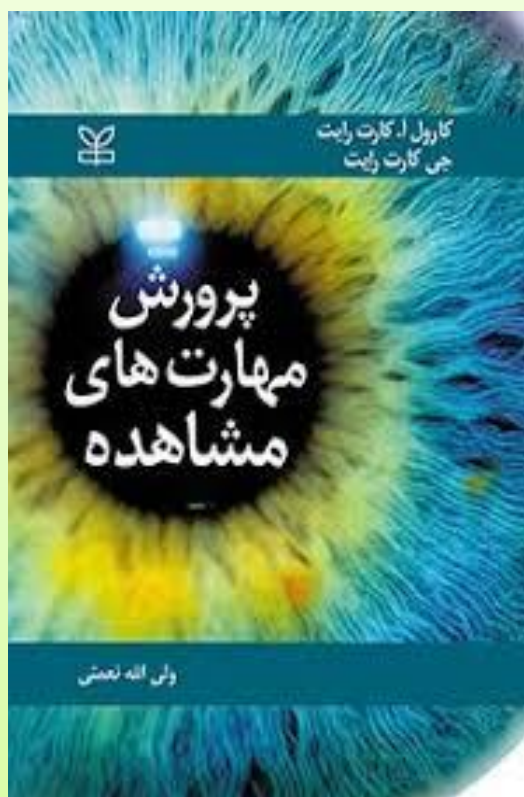
نوع درس: نظری و عملی

تعداد واحد $2 = (1+1)$

پیشنیاز: اصول راهنمایی و مشاوره

مدرس: دکتر سپیده برغندان

گروه: ۵۲ و ۲۵



بهار در راه است.

سلام. امیدوارم این روزهای پایانی سال را در کنار خانواده
تان به خوشی و سلامتی سپری کنید تا با امید و توکل بر خدا،
دوباره به شرایط عادی برگشته و با قدرت هرچه تمام تر، در
مسیر ارزش ها و اهدافمان حرکت کنیم. در ادامه توجه شما
را به ادامه فصل اول جلب می نمایم.

در ضمن از اینکه تکالیف خود را در زمان مقرر انجام داده و
خواهید داد، سپاسگزارم.

جلسه دوم: ادامه فصل اول: صفحه ۲۹ تا ۴۵

**لطفاً به عناوین مباحث و صفحات ذکر شده
توجه کنید و مطابق آنها، کتاب را دنبال
نمایید.**

صحت استنباط ها صفحه ۲۹

صحت استنباطها

می توان از طریق به کارگیری بیش از یک رفتار به عنوان شاهد، بر صحت احتمالی استنباطهای خود بیفزاییم. برای این کار می توانیم از الگوها یا مجموعه هایی از رفتارهای مشابه و مرتبط که آشکار می شوند استفاده کنیم، و به منظور دستیابی به استنباطهایی در مورد کودک، این مجموعه های رفتار، بر یک رفتار تنها ترجیح دارند. مزیت به کارگیری رفتارهای متعدد به جای یک رفتار منفرد، به این دلیل مطرح است که، شواهد متعدد می توانند به سادگی یک شاهد منفرد را خنثی سازند، و اگر ما استنباطی را تنها بر یک مدرک مبتنی کنیم، ممکن است درنیابیم که چه اثرات باطل کننده ای وجود دارند. در این گونه موارد اصل آن است که هرچه شواهد رفتاری بیشتری، چه درباره کودک و چه درباره سایر رویدادها، جمع آوری کنیم، می توانیم نسبت به اینکه استنباط ما بر مبنای آن شواهد، روشن و منطقی است، اطمینان بیشتری حاصل کنیم.

اجازه بدهید دو موقعیت متفاوت را در نظر بگیریم. در موقعیت اول معلّم تنها بر پایه

برخی از نکات مهم صفحه پیش:

مزیت بکارگیری رفتارهای متعدد به جای یک رفتار منفرد، این است که هرچه شواهد رفتاری بیشتر باشد، می توانیم با اطمینان بیشتری به آنها استناد کنیم.

چه درباره سایر رویکردها، جمع آوری کنیم، می توانیم نسبت به اینکه استنباط ما بر مبنای آن شواهد، روشن و منطقی است، اطمینان بیشتری حاصل کنیم.

اجازه بدهید دو موقعیت متفاوت را در نظر بگیریم. در موقعیت اول معلّم تنها بر پایه دو شاهد رفتاری، استنباطی درباره کودک به عمل می آورد. در موقعیت دوّم، معلّم قبل از هر نوع استنباط، شواهد و مدارک بسیار بیشتری گرد می آورد، یا به عبارت دیگر رفتارهای بسیار بیشتری را مشاهده می کند. موقعیت اول این گونه است؛ مریم این دو رفتار را نشان می دهد: (۱) مریم بعد از تلاش بسیار، تعریف یک مجموعه را تکرار می کند. (۲) هنگامی که معلّم یک دسته پنج تایی قاشق را به مریم نشان می دهد و از او می پرسد که برای پرکردن جای خالی موجود در این جمله چه کلمه ای را باید به کار

مثال

در مثال ، در موقعیت اول معلم تنها بر اساس دو شاهد رفتاری درباره مریم استنباط می کند اما در موقعیت دوم ، معلم قبل از هر استنباطی به جمع آوری شواهد و مدارک بسیاری می پردازد.

بیریم: «(اینجا یک... پنج تایی از قاشق وجود دارد»، مریم می‌گوید: «مجموعه^۱». برپایه این دو رفتار، معلّم این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که مریم به دریافتی از مفهوم مجموعه دست پیدا کرده است. آن دسته از شما خوانندگان که با مفهوم مجموعه آشنا هستید و همچنین از تفاوت میان حافظه طوطی‌وار^۲ و فهم و دریافت آگاهی دارید، به سرعت درخواهید یافت که ممکن است معلّم در نتیجه‌گیری خود از این که مریم مفهوم مجموعه را می‌فهمد در اشتباه باشد. تا اینجا ما فقط این را می‌دانیم که مریم در مورد مجموعه‌ها یک تعریف و یک برچسب از برکرده است. اما موقعیت دوم. اجازه دهید فرض کنیم که علاوه بر دو رفتاری که در موقعیت اول توصیف شد، معلّم شاهد بروز رفتارهای دیگری نیز از سوی مریم باشد، رفتارهایی از قبیل اینکه:

(۱) هنگامی که جعبه‌ای حاوی وسایل غذاخوری اسباب بازی به مریم می‌دهد و از او می‌خواهد تا از فنجانها مجموعه‌ای تهیه کند، او از وسایل داخل آنجا

مجموعه‌ها یک فرض کنیم که علاوه بر دو رفتاری که در موقعیت اول توصیف شده است، رفتارهایی از قبیل اینکه:
(۱) هنگامی که جعبه‌ای حاوی وسایل غذاخوری اسباب بازی به مریم می‌دهد و از او می‌خواهد تا از فنجانها مجموعه‌ای تهیه کند، او از وسایل داخل جعبه، فنجانها را انتخاب می‌کند، و آنها را در یک گروه در کنار هم قرار می‌دهد تا این که مجموعه‌ای از فنجانها را فراهم کند. (۲) موقعی که معلّم یک دسته چنگال، یک دسته قاشق و یک دسته کارد را جدا می‌کند و به مریم تکه‌ای نخ می‌دهد و از او می‌خواهد تا نخ را به دور مجموعه‌ای از وسایل غذا خوردن پیچد، مریم نخ را طوری به کار می‌برد که همهٔ این اشیاء در داخل آن قرار گیرند. (۳) زمانی که دو تصویر را که اولی شامل مجموعه‌ای از چند بشقاب و دیگری مجموعه‌ای شامل اشیایی غیر از بشقاب است به مریم نشان می‌دهد، مریم تصویری را که بشقاب را نشان می‌دهد انتخاب می‌کند. و (۴) مریم می‌تواند به زبان خودش، تعریف قابل قبولی از مجموعه را بیان کند. به دلیل آن که، این رفتارها متضمن چیزی بیش از حافظهٔ ساده هستند و نیز اینکه در این موقعیت رفتارهای بیشتری وجود دارد، احتمال بیشتری می‌رود که معلّم در این باره که مریم مفهوم مجموعه را می‌فهمد، درست نتیجه‌گیری کرده باشد. معلّم با مورد مشاهده قرار دادن

نخستین

نوشتن

خا

دارای

که

دور

وی

انج

به

نمی

باب

انج

(۵

از

به مثال های دیگر نیز توجه کنید:

خانم ابراهیمی صفحه ۳۱ تا ۳۲ و مشکل بابک

تعداد بیشتری از رفتارهای متناسب، بر اطمینان خود از درستی استنباط و نتیجه گیری افزوده است. با این وجود، او هنوز کاملاً مطمئن نیست زیرا همه رفتارهایی را که نشانگر فهمیدن مفهوم مجموعه هستند، واریسی نکرده است.

خانم ابراهیمی آموزگاری معمولی است. او که مسئولیت تدریس کلاس سوم را به عهده دارد، با آقای باطنی، مربی آموزش ویژه که به عنوان معلم مرجع^۱ در مدرسه کار می کند، در مورد یکی از شاگردانش مشورت کرده است. شاگرد او، بابک، در اجرای تکالیف مربوط به حوزه هماهنگی حرکتی ظریف دارای مشکل است. خانم ابراهیمی نخستین بار زمانی متوجه مشکل بابک شد که دریافت او در زمینه به دست گرفتن مداد و نوشتن حروف و بریدن اشیاء با قیچی مشکل دارد.

خانم ابراهیمی در پی این مشاهدات و اینکه حدس می زد که امکان دارد بابک دارای مشکل خاصی باشد، با آقای باطنی صحبت کرد و نظر او را جویا شد.

کار آقای باطنی این بود که به عنوان فردی مطلع به معلمانی که مشکلاتی شبیه آنچه که در مورد خانم ابراهیمی مشاهده شده است، مراجعه کند.

نوشتن حروف و بریدن اشیاء با قیچی مشکل دارد.

خانم ابراهیمی در پی این مشاهدات و اینکه حدس می‌زد که امکان دارد بابک دارای مشکل خاصی باشد، با آقای باطنی صحبت کرد و نظر او را جویا شد.

کار آقای باطنی این بود که به عنوان فردی مطلع به معلمانی که مشکلاتی شبیه آنچه که در مورد خانم ابراهیمی و بابک توصیف شد، داشتند، کمک کند. آقای باطنی دوره‌های آموزشی خاصی را برای تشخیص و درمان مشکلات یادگیری گذرانیده بود. وی تکالیفی را پیشنهاد کرد تا خانم ابراهیمی برای تشخیص نوع مشکل احتمالی بابک، انجام آنها را از او بخواهد. مشاهداتی که توسط خانم ابراهیمی در حین اجرای تکالیف به عمل آمده است، اینها بودند: (۱) بابک نمی‌توانست میخ را با چکش بکوبد. (۲) بابک نمی‌توانست موقع عبور از یک مارپیچ^۲ با مداد، از فاصله^۳ میان خطوط خارج نشود. (۳) بابک می‌توانست از مار پیچ با انگشت خود عبور کند. (۴) بابک به معلمش گفت که از انجام یک طرح هنری که در آن می‌بایست از رنگ و قلم‌مو استفاده کند، راضی نبود. (۵) وی زمانی دیگر به معلمش گفت، که از انجام یک طرح هنری که در آن موظف بود از رنگهای انگشتی^۴ استفاده کند، راضی بود. (۶) بابک قادر به نخ‌کردن سوزن نبود.

نکته مثال خانم ابراهیمی و مشکل بابک

نکته مهم این است که نباید تصمیمات را تنها بر اساس یک یا دو واحد کوچک از شواهد رفتاری اتخاذ کرد. بلکه لازم است تا مشاهدات ادامه یابد و تصمیم گیری بعد از گردآوری مدارک کامل و به دست آوردن الگوی معتبر، صورت گیرد.

الگوهای رفتار

الگوهای رفتار

اگر ما این عادت را در خود به وجود بیاوریم که در هر مشاهده در پی اطلاعات مشابهی باشیم، برای خود شیوه‌ای استاندارد فراهم خواهیم کرد. به این طریق می‌توانیم با احتمال بیشتری الگوهای رفتاری را تشخیص دهیم. متغیرهای متعددی که می‌توانند در زمینه استاندارد بودن اطلاعات در هر مشاهده تهدیدهای قوی به حساب آیند، در زیر بحث می‌شوند.

چه طور می توانیم به الگوهای رفتاری برسیم ؟

زمانی می توانیم به الگوهای رفتاری برسیم که در هر مشاهده در پی اطلاعات مشابهی باشیم و متغیرها را در زمینه استاندارد بودن در هر مشاهده ، به عنوان نشانه ای قوی به شمار آوریم.

به ادامه مبحث توجه کنید:

توجه به شرایط و موقعیت رفتار

۳۳ ضرورت مشاهده

لازم است شرایط و موقعیتی که رفتار در آن اتفاق می افتد مورد توجه قرار گیرد. موقعیتها شامل مواردی از این قبیل است که دیگران در این رویداد تا چه حد درگیر بودند، اینکه آیا در آن موقعیت موضوعات یا اشیاء دیگر، نقش برجسته‌ای داشتند، غیراز رویداد اصلی، چه رویدادهای حاشیه‌ای در حال وقوع بودند، و اینکه رویداد در چه زمانی رخ داده است (شامل هم تاریخ و هم ساعت وقوع رویداد). هرگاه علاقه‌مند باشید تا درباره واکنشهای نوعی کودک نسبت به موقعیتهای مختلف اطلاعاتی جمع آوری کنید، طبعاً باید کودک را در موقعیتهای متفاوت مشاهده کنید. موقعیتهای مختلف احتمالاً واکنشهای متفاوتی را در کودک بر می انگیزند و اگر ما مشاهدات خود را در موقعیتهای متفاوت انجام ندهیم اطلاعاتی که درباره کودک به دست آورده‌ایم، احتمالاً به درجاتی نامتعادل^۱ و غیرواقعی خواهد بود. در صورتی که به تفاوت شیوه‌های رفتار کودکان در مطب دکتر با سایر موقعیتهای بیندیشید، معنای اظهارات اخیر کاملاً برای شما روشن خواهد شد.

احتمالاً در فاصله بین مشاهده

در فرایند مشاهده، توجه به محرک، مهم است.

احتمالاً به درجات نامتعادل و غیر واقعی خواست بر روی شیوه‌های رفتار کودکان در مطب دکتر با سایر موقعیتها بیندیشید، معنای اظهارات اخیر کاملاً برای شما روشن خواهد شد.

احتمالاً در فرایند مشاهده، توجه به محرک هم دارای اهمیت است. منظور از این عبارت آن است که مشاهده باید آنچه را که منجر به بروز رفتار یا آغاز کننده آن بوده است، در نظر بگیرد. البته تردیدی نیست که رفتاری که کودک آن را در واقع انجام داده یا آشکار کرده است، باید در مشاهده منظور گردد. جایی در مواقع لزوم، ترتیب توالی رفتارهایی که فراگیرنده از خود نشان می‌دهد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. معمولاً دانستن اینکه چه رفتارهایی قبل و بعد از حادثه رفتاری اصلی روی داده است، اهمیت دارد.

زمان نیز عامل مهمی است که باید مد نظر باشد. بعضی رفتارها در شروع تماس یا تجربه مهمتر خواهند بود، نظیر آغاز سال تحصیلی. و دیگر رفتارها احتمالاً در دوره‌های دیگری در سال اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. برای مثال هنگامی که یک

نکته

**در فرایند مشاهده، توجه به محرک، مهم است.
یعنی: در مشاهده باید آنچه که باعث بروز رفتار یا به
وجود آمدن رفتار شده است را در نظر بگیریم.**

**توجه به ترتیب توالی رفتار و زمان بروز آن نیز حائز
اهمیت است.**

مددکار اجتماعی با خانواده جدیدی ارتباط برقرار می‌کند، معمولاً از قبل یادداشتهایی با خود دارد و احتمالاً می‌خواهد تا اعتبار این یادداشتهای را از طریق مشاهده رفتار نوعی اعضای خانواده در موقعیتهای طبیعی، واریسی کند. احتمال کمی وجود دارد که الگوهای رفتار در طی زمانی کوتاه آشکار شوند. بروز تغییر در رفتارها با گذشت زمان، در زمینه‌های مختلف نشانگر رشد یا عدم پیشرفت خواهد بود. اما تنها زمانی می‌توان از این تغییرات یا الگوهای رفتاری استفاده کرد که ثبت مشاهده‌ها طی یک دوره زمانی صورت گرفته باشد.

چه کسی اطلاعات حاصل از مشاهدات را ثبت می کند؟

ثبت مشاهدات توسط کودک
ثبت نتایج توسط مشاهده گر

چه کسی اطلاعات حاصل از مشاهده را ثبت می کند؟

تاکنون به قدر کافی درباره رفتارها، فرایندها و ویژگیها و عمل استنباط صحبت کرده ایم. این نکته را مکرراً مطرح کرده ایم که رفتارها را می توان مشاهده کرد، در حالی که فرایندها و ویژگیها اگرچه واجد اهمیت هستند، قابل مشاهده نیستند.

قبلاً بیان شد که از نظر ما، مشاهده به عنوان فرایند منظم نظارت بر رفتارها و ثبت اطلاعات رفتاری به منظور تصمیم گیری تعریف می شود. آن دسته از خوانندگان کتاب که فرصت این را داشته اند که معنای لغت مشاهده^۱ را در لغت نامه جستجو کنند، از شباهت زیاد تعریف ما با تعریف لغت نامه تعجب نخواهند کرد. همان طور که گفته ایم، نتیجه گیریها از طریق انجام استنباطهایی برپایه شواهد رفتاری حاصل می شوند، و بیشتر شواهد رفتاری مورد نیاز برای رسیدن به این استنباطها، از طریق مشاهده منظم جمع آوری می شوند. برای جمع آوری شواهد، می توان در موقعیتهای متناسب، از شیوه های دیگر جمع آوری اطلاعات و اندازه گیری نیز استفاده کرد، با این حال این نکته همچنان به قوت خود باقی می ماند که بیشتر شواهد مورد نیاز برای انجام استنباطها، تنها از طریق فرایند مشاهده در دسترس قرار می گیرند. ما تنها از طریق مشاهده فرد کودک یا بزرگسال می توانیم آنچه را که بدان نیاز داریم، دریابیم.

ثبت مشاهدات توسط کودک

بعضی از روشهای ارزیابی به گونه‌ای طراحی شده‌اند و مورد استفاده قرار می‌گیرند که در آن فرد مورد مطالعه، خود رفتارش را برای ما ثبت می‌کند. اغلب مواقع نتایج به صورت کتبی ثبت می‌شوند، اگرچه راههای دیگر ثبت نتایج نیز وجود دارند. نظیر ترسیم نقاشی، ساختن اشیاء، بافتن، ضبط نوار صوتی و گرفتن عکس. مثالی مرسوم از شیوه ارزیابی که در آن نتایج توسط خود فرد مورد مشاهده، یادداشت می‌شوند عبارت است از آزمون قلم و کاغذی یا پرسشنامه. در این موارد فرد با دادن پاسخ به یک سؤال، در واقع گزارشی کتبی از رفتارش ارائه می‌دهد، و ما می‌توانیم بعداً بارها و بارها به آن مراجعه کنیم و پاسخش را مورد بررسی قرار دهیم. این گونه پاسخها معمولاً همیشه در دسترسند و می‌توان آنها را مجدداً مورد توجه و بازبینی قرار داد. هیچ‌کدام از این شیوه‌های ارزیابی که در آن نتایج، توسط خود فرد مورد مشاهده ثبت می‌شوند، در تعریف اخص ما از شیوه‌های مشاهده نمی‌گنجد. با این وجود باید متذکر شویم که امکان دارد رویدادهای جنبی و همراه با نتایج کتبی مهم باشند ولی این رویدادها تنها زمانی که مشاهده‌گر در کنار ثبت نتایج اصلی، به ثبت آنها نیز پردازد، برای بررسی در دسترس ما قرار خواهند گرفت. برای مثال ممکن است هنگامی که کودک تلاش می‌کند تا به مواد آزمون پاسخ دهد، کودک دیگری او را مورد تعرض قرار دهد و از این طریق روی نتیجه آزمون او تأثیری منفی بگذارد. تنها در صورتی که این رویدادهای مخاصمت‌آمیز را مورد مشاهده و یادداشت قرار دهیم، می‌توانیم در هنگام ارزیابی پاسخ کودک به مواد آزمون، آنها را نیز در نظر بگیریم.

ثبت مشاهدات توسط کودک

گاهی فرد مورد مطالعه خودش رفتارش را برای ما ثبت می کند.

مثل کشیدن نقاشی، درست کردن کاردستی، ضبط نوار صوتی و گرفتن عکس و نوع بسیار رایج آن: آزمون مداد کاغذی یا پرسشنامه می باشد.

این مشاهده ممکن است خالی از اشتباه نباشد پس نتایج آن در کنار ثبت نتایج اصلی توسط مشاهده گر (محقق یا معلم) مورد پردازش قرار گیرد.

مشاهده گر

ثبت نتایج توسط مشاهده گر

در دیگر شیوه‌های ارزیابی، نتایج توسط فرد مورد مشاهده ثبت نمی‌شود. در این موارد، فرد دیگری باید رفتار را ثبت کند و چنین شخصی مشاهده گر نامیده می‌شود. در مواردی که شخص صحبت می‌کند، یا با دیگری نزاع می‌کند، یا تهیه بخشی از ناهارش را

به عهده می‌گیرد، یا به صدای بلند مطلبی را می‌خواند، یا هریک از رفتارهای متعدد دیگر را نشان می‌دهد، تنها در صورتی که مشاهده‌گر در زمان وقوع رفتار به ثبت آنها پردازد، می‌توان برای بازبینی و ملاحظه مجدد از این یادداشت‌ها استفاده کرد. در این کتاب بر پایه این که آیا افراد، خود رفتارهای خویش را ثبت می‌کنند یا نه، بین شیوه‌های ارزیابی که مشاهده‌ای هستند و شیوه‌هایی که روش مشاهده‌ای محسوب نمی‌شوند، تمایز قایل می‌شویم. هرگاه فردی دیگر وظیفه مشاهده رویداد و ثبت نتایج را به عهده داشته باشد، ما چنین عملی را به عنوان روش مشاهده‌ای تلقی خواهیم کرد. در این کتاب مشاهده به عنوان فرایند منظم ملاحظه و ثبت رفتار به منظور تصمیم‌گیری تعریف می‌شود. هر روشی که در آن خود افراد نتایج رفتارهای مربوط به خود را آماده کنند، روش مشاهده تلقی نمی‌شود و بنابراین خارج از حوزه اصلی مورد نظر ما قرار خواهد گرفت.

به چه کسی می گوییم مشاهده گر؟

هرگاه فردی دیگر وظیفه مشاهده ی رویداد و ثبت نتایج را به عهده داشته باشد، **مشاهده گر** گفته و چنین عملی را به عنوان روش مشاهده ای تلقی خواهیم کرد.

توجه: هر روشی که در آن خود افراد نتایج رفتارهای مربوط به خود را آماده کنند، روش مشاهده تلقی نمی شود. بلکه تنها به چشم اطلاعاتی مضاعف در کنار روش اصلی به آن توجه می شود.

مشاهده به عنوان مکملی برای اطلاعات بیشتر صفحه ۴۰

ناقصی که به او داده می شود
می کند.

مشاهده به عنوان مکملی برای اطلاعات دیگر
گاهی اوقات که اطلاعات توسط روشهایی به غیر از روشهای مشاهده جمع آوری
می شوند، ممکن است تمایل پیدا کنیم که برای تکمیل اطلاعات اصلی، اطلاعات بیشتری
گرد آوریم. به عنوان مثال تصور کنید که یک گزارش آزمایشگاه شیمی را که توسط دو
دانش آموز سال آخر دبیرستان تهیه شده است، در اختیار داریم. آنها روی آزمایش
مورد نظر با یکدیگر کار کرده اند و سپس گزارشهای کتبی خود را از آزمایش به صورت
مجزا خود تهیه کرده اند. فرض کنید گزارشهای آنها از نظر ما رضایت بخش نباشد زیرا
هیچ یک از آنها نتایج صحیح آزمایش را ارائه نکرده اند. در این مورد می توان با
مشاهده این دو دانش آموز در حالی که آنها واقعاً در آزمایشگاه شیمی کار می کنند،
اطلاعات تکمیلی را به دست آورد. از طریق این نوع به کارگیری مشاهده، می توان
درباره مشکلات مفهومی و روشی آنها اطلاعاتی به دست آورد که می تواند در مراحل
بعدی جهت کمک به آنها در بهبود عملکردشان در آزمایشهای شیمی مورد استفاده
قرار گیرد.

دست اندرکاران خدمات امور انسانی برحسب آموزشها و علایق خویش انواع
مختلفی از رفتارها را مشاهده می کنند. همان طور که ممکن است انتظار داشته باشید،
رفتارهایی که ارزیابی آنها آسانتر است، معمولاً بیشتر مورد ارزیابی قرار می گیرند. به
همین دلیل است که معمولاً معلمان قادرند تا درباره چگونگی عملکرد کودکان در
آزمونهای اطلاعات بسیار زیادی ارائه دهند. اما قادر نیستند درباره رفتارهای کودکان در
حوزه هایی چون تعاملات اجتماعی، رفتارهای در زمین بازی، موقعیتهای مطالعه شفاهی

و رفتارهای آنها در دیگر موقعیتهای متعدد خارج از امتحان و مدرسه اطلاعات زیادی به دست دهند. برای اتخاذ تصمیمات متعدد، به اطلاعاتی جامع در مورد کودک نیاز است و این تنها زمانی امکان دارد که از مجموعه‌ای از شیوه‌های ارزیابی که دربرگیرنده موقعیتهای مختلفی باشند، استفاده شود. این به معنای آن است که برای فراهم کردن تصویر کاملی از کودک، هم به استفاده از شیوه‌های مشاهده‌ای و هم شیوه‌های غیرمشاهده‌ای جمع‌آوری اطلاعات نیاز خواهید داشت.

خانم جوادی که گفتار درمانگر بود اطمینان داشت هادی یک مشکل مربوط به زبان دارد. با این حال در مورد ماهیت مشخص مشکل او، به‌طور کامل مطمئن نبود. خانم جوادی قبلاً به هادی چندین تکلیف زبانی که مشابه آزمون بود، داده بود تا او به صورت کتبی به آنها پاسخ دهد. وی قصد نداشت تا قبل از به دست آوردن اطلاعات بیشتر، توصیه‌های خاص به هادی ارائه کند. خلاصه‌ای از بعضی از فعالیتهای خانم جوادی که به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره مشکلات زبانی هادی انجام شده است، در زیر می‌آید.

خانم جوادی، در بافت که زبان که تکالیف، توصیه‌ای یا کتبی به هادی داده می‌شد، او

مشاهده به عنوان مکملی برای اطلاعات بیشتر

برای اینکه به اطلاعات جامعی درباره کودک دست یابیم نیاز است که گاهی علاوه بر روش های دیگر جمع آوری اطلاعات، از روش مشاهده که دربرگیرنده ی موقعیت های مختلفی است، به عنوان مکمل استفاده کنیم.

به مثال خانم جوادی توجه کنید:

به منظور جمع کردن

می آید.

خانم جوادی دریافت که زمانی که تکالیف تصویری یا کتبی به هادی داده می شد، او در تجزیه کلمات ضعیف بود. او این اطلاعات را با مشاهده رفتارهای هادی در هنگام پاسخ دادن به بعضی تکالیف مستلزم رفتارهای شفاهی تکمیل کرد. برای مثال او از هادی خواست تا چندین کلمه را که با حروف بی صدا^۱ آغاز می شد، بیان کند و رفتار او را ثبت کرد. همچنین زمانی که هادی از نحوه تلفظ برخی از حروف بی صدا توسط وی تقلید می کرد، وضعیت اندامهای گویشی^۲ (زبان، لب، دندانهها و غیره) او را مشاهده کرد. خانم جوادی همچنین دریافت هنگامی که به هادی پاراگرافی داده می شود تا آن را بخواند و سپس به چندین سؤال درک مطلب در مورد محتوای آن پاسخ دهد، نمی تواند پاسخ صحیح را انتخاب کند. او در صدد بود بداند که آیا امکان دارد هادی دارای

1. consonant

2. articulators

مهارت‌های درک مطلب باشد، اما قادر نباشد به دلیل مشکلات زبانی‌اش، این مهارت‌ها را ظاهر سازد. برای آزمایش این فرضیه، خانم جوادی چند پاراگراف را برای هادی خواند. سپس رفتارهای هادی را در حالی که او به طور شفاهی به چندین سؤال درک مطلب که از او می‌پرسید پاسخ می‌داد، یادداشت کرد. خانم جوادی به وسیله این روشها و شیوه‌های دیگر، اطلاعات خود را درباره رفتارهای زبانی هادی به توصیف کاملتری از مشکل هادی دست یافت و به این ترتیب توان بیشتری داشت تا برای او برنامه درمانی طرح ریزی کند که احتمال موفقیت بیشتری داشت.

نیاز به اطلاعات جامع

نیاز به اطلاعات جامع

به لحاظ اینکه بعضی از رفتارها به گونه‌ای هستند که کودک خود می‌تواند آنها را به صورت کتبی ثبت کند و بعضی از رفتارها هم به گونه‌ای هستند که لازم است مشاهده‌گر آنها را ثبت کند، ضروری است برای جمع‌آوری اطلاعات همه جانبه مورد نیاز از رفتار کودک، هر دو شیوه مشاهده‌ای و غیر مشاهده‌ای، مورد استفاده قرار گیرد.

اجازه دهید به پاره‌ای از اطلاعات در مورد دختری نه ساله به نام سارا که دارای مشکلات یادگیری است توجه کنیم. او به‌طور موقت در یک اتاق ویژه^۱ قرار داده شده بود و یک مربی مخصوص، تشخیص‌های تربیتی فشرده‌ای را در مورد او انجام می‌داد و برنامه دراز مدتی را برای او طراحی و آزمون می‌کرد.

زمانی که سارا دوباره به کلاس اصلی خود بازگشت، این برنامه دراز مدت که اعتبار آن سنجیده شده بود، به معلم عادی کلاس چهارم پیشنهاد شد. به تفاوت‌های ممکن میان

ادامه مثال

است و دیگری یعنی
تجویز شده است، توجه کنید.

الف) اطلاعات محدود - رفتارهای خواندن

۱. زمانی که یک دسته پنجاه تایی از کارتهای مربوط به لغاتی که در سطح کلاس دوم قرار دارند به سارا داده شود، او فقط ده درصد از لغات را به طور صحیح تلفظ می کند.

۲. هرگاه تصاویری از اشیاء به صورت تکی و چندتایی و نیز لغات مربوط به آنها به سارا داده شود (توپ - توپها)، سارا نمی تواند جمع بستن کلمات را تعمیم دهد.

۳. سارا نمی تواند به طور شفاهی، جمله های ساده ای را که در سطح قرائت کلاس اول قرار دارند، بخواند.

۴. هرگاه زوجهایی از لغات را که بعضی از آنها مشابه یکدیگر و بعضی دیگر از آنها متفاوت با یکدیگرند برای سارا بخوانند، او نمی تواند بیان کند که کدامها یکسان و کدامها متفاوتند.

۵. سارا بعد از اینکه به جمله ای که معلم آن را به صورت شفاهی می خواند گوش می کند، نمی تواند تصویری را که مطابق با جمله است از میان مجموعه ای از تصاویر پیدا کند.

ادامه مثال

۴. هرگاه زوجهایی از لغات را که بعضی از آنها را با هم اشتراک دارند، با یکدیگر مقایسه کنیم، متفاوت با یکدیگرند برای سارا بخوانند، او نمی تواند بیان کند که کدامها یکسان و کدامها متفاوتند.

۵. سارا بعد از اینکه به جمله ای که معلم آن را به صورت شفاهی می خواند گوش می کند، نمی تواند تصویری را که مطابق با جمله است از میان مجموعه ای از تصاویر پیدا کند.

(ب) اطلاعات جامع -

رفتارهای خواندن به علاوه رفتارهای اجتماعی - عاطفی

اجازه بدهید این رفتارهای اجتماعی - عاطفی را نیز به فهرست رفتارهای قرائت سارا اضافه کنیم.

۱. زمانی که سارا در ساعت داستان گویی در کنار کودکان دیگر نشسته باشد، دیگر

ادامه مثال

۴۵ ضرورت مشاهده

کودکان را به وسیله لمس کردن، هُل دادن، صحبت کردن، لگد زدن و غیره آزار می دهد.

۲. زمانی که میز او را دور از دیگران قرار دهند، سارا تصویری ترسیم می کند. او توجه خود را به این کار برای مدت پنج دقیقه حفظ می کند.

۳. هرگاه در گروه قرائت کوچکی حضور داشته باشد، واکنش او در هنگام قرائت کودک دیگر این گونه است که در صندلیش می چرخد و از پنجره به بیرون کلاس می نگرد.

۴. هنگامی که از او می خواهند تا اوراق دیگر کودکان را جمع آوری کند، سارا با به زمین کوبیدن پا و گفتن نه، از این عمل امتناع می ورزد.

۵. هنگامی که یک بزرگسال در کنار او می نشیند و رفتارهای متناسب او را با کشمش پاداش می دهد، سارا حداقل ۱۰ دقیقه به تکالیف خواندن توجه می کند.

در شرایطی که اطلاعات جامعی ارائه شد، نتیجه با اهمیتی که برای تنظیم برنامه درمانی ضروری بود، آشکار شد. به نظر می رسد که سارا قادر نیست در زمینه تکالیف یادگیری آموزشگاهی، در موقعیتهای گروهی به درستی عمل کند. بنابراین برنامه درمانی به گونه ای طراحی شد که به سارا به صورتی فردی، تعلیم داده شود.

کار عملی:

علاوه بر مطالب ذکر شده از کتاب و این پاورپوینت ، از شما دانشجویان گرامی خواسته می شود که فعالیت زیر را پاسخ دهند :

۱- چه چیزهایی در رسیدن به الگوی رفتاری مهم هستند؟ مختصراً توضیح دهید.

۲- چرا گزارش فردی که خود مورد مطالعه است از مشاهده اش نمی تواند به عنوان روش مشاهده معتبر شناخته شود ؟

زمان تحویل کار عملی در گروه (جهت برقراری نظم سر
زمان مقرر، نه زودتر و نه دیرتر) ، سه شنبه ۲۷ اسفند
مباشد.

در پناه خدا

پایان جلسه دوم تا صفحه ۴۵
موفق باشید.

پیشاپیش سال نو بر همگی مبارک.
با آرزوی بهترین ها برای شما عزیزان

